

گروه‌بندی کودکان در مدارس ابتدایی با تأکید بر کار گروهی-مشارکتی

فاطمه باقر پور راوری^۱

^۱ کارشناس ارشد علوم تربیتی، گرایش آموزش و پرورش ابتدایی

چکیده

با توجه به حجم گسترده تحقیقات در حوزه کار گروهی-مشارکتی، شواهد متقاعدکننده‌ای مبنی بر تأثیر مثبت این رویکردها بر پیشرفت تحصیلی، درک مفهومی، بهبود نگرش‌ها، و تقویت مهارت‌های ارتباطی و اجتماعی دانش‌آموزان وجود دارد (مانند لو و همکاران ۱۹۹۷؛ اسلاوین، هرلی و چمبرلین ۲۰۰۰؛ وب و پالینکسار ۱۹۹۶). این یافته‌ها، پتانسیل بالای سازماندهی دانش‌آموزان در گروه‌های کوچک را برای دستیابی به اهداف آموزشی چندوجهی اثبات می‌کنند. با وجود این تأییدیه‌های نظری و تجربی، بخش قابل توجهی از مطالعات موجود، دارای محدودیت‌هایی از جمله مقیاس کوچک و کوتاه‌مدت بودن است. مهم‌تر از آن، اغلب این تحقیقات به طور کافی معلمان را در فرآیند طراحی، توسعه و اجرای استراتژی‌های کار گروهی در زمینه و بستر طبیعی کلاس‌های درس روزمره خود درگیر نمی‌کنند. این امر منجر به شکافی عملی میان دانش تئوریک کار گروهی اثربخش و چالش‌های اجرایی معلمان در کلاس‌های درس می‌شود. هدف این پژوهش بررسی و ارائه الگویی عملی برای گروه‌بندی بهینه دانش‌آموزان ابتدایی است که با در نظر گرفتن بافتار کلاسی واقعی و با مشارکت فعال معلمان، استراتژی‌های کار گروهی را به گونه‌ای پیاده‌سازی کند که فراتر از نتایج کوتاه‌مدت، منجر به توسعه پایدار مهارت‌های اجتماعی-عاطفی و افزایش یادگیری عمیق شود. این مطالعه تلاش دارد تا ملاحظات محتوایی، مدیریتی و تعاملی لازم برای ادغام موفق کار گروهی در برنامه درسی روزانه را شناسایی و مستند سازد.

واژه‌های کلیدی: گروه بندی، کار گروهی مشارکتی، نیازهای آموزشی ویژه، مدارس ابتدایی، اجتماعی مهارت ها

مقدمه

این مقاله به بررسی انواع شیوه های آموزشی و یادگیری در قالب گروه بندی در مدارس ابتدایی می پردازد. گروه بندی توانایی ها یک راهبرد سازمانی رو به افزایش در مدارس سراسر جهان است که معلمان با هدف رفع نیازهای فردی فراگیران، بهبود یادگیری و افزایش نمرات آزمون به اجرای آن مبادرت می ورزند.

با این وجود، گروه بندی توانایی ها همواره با مخالفت ها و نگرانی هایی همراه بوده است؛ به ویژه در مورد اینکه چگونه این روش ها بر خصوصیات روحی، روانی و اجتماعی دانش آموزان جوان تأثیر می گذارد.

نکته حیاتی این است که کار گروهی فراتر از صرف نشستن دانش آموزان در کنار یکدیگر و درخواست همکاری است. اگرچه ممکن است تعامل کلامی صورت گیرد، اما این سطح از همکاری لزوماً به یادگیری عمیق منجر نمی شود. منظور از کار گروهی، فعالیت دانش آموزان به صورت تیمی است که در آن ویژگی تعیین کننده، سوق دادن تعادل مالکیت و کنترل کار به سمت خود دانش آموزان است. کار گروهی مؤثر باید کودکان را به عنوان یک واحد یادگیرنده فعال درگیر کند (زاجاک و هارتاپ، ۱۹۷۷)، نه صرفاً اینکه یک دانش آموز به دیگری کمک کند.

ما دیدگاهی فراگیر از کار گروهی داریم که گاهی کار گروهی مشارکتی نامیده می شود. این رویکرد اغلب با گروه های ساختاریافته، ترکیب های ناهمگون از توانایی، جنسیت و قومیت و وظایف یادگیری خاص همراه است. با این حال، اساس کار گروهی برای یادگیری در کلاس درس می تواند فراتر از این رویکردهای خاص باشد؛ به طوری که ممکن است از دانش آموزان در طول فعالیت های روزمره کلاسی خواسته شود که برای وظایف مختلف کار گروهی انجام دهند.

بنابراین، این تحقیق نشان می دهد که چگونه کار گروهی می تواند با استفاده و اجرای استراتژی های مؤثر نظیر عادی سازی، تعیین قواعد مشخص و تعریف نقش ها، مورد ارزیابی قرار گیرد. در نهایت، برای مؤثر بودن کار گروهی در گروه بندی های مختلف، دانش آموزان و معلمان باید بتوانند با شرایط عادی کلاس سازگار شوند.

مبانی نظری

نوشته های قبلی پیازه ۱۹۲۸-۱۹۵۹ بر اهمیت تعامل بین تاکید کردند حالات اجتماعی عاطفی و شناختی در رشد و یادگیری و در نتیجه یک منطق نظری برای استفاده از گروه بندی در محیط های آموزشی ارائه کردند این ایده ها این دیدگاه را ترویج می کند که تفکر کودکان تابعی از دانش قبلی و ظرفیت برای یادگیری با کمک بزرگسالان یا همسالان است (روگوف، وود ۱۹۹۰) به طور کلی به نظر می رسد و مبرهن است که وقتی صحبت از کار گروه می شود کل بیشتر از مجموعه اجزای آن است در حالی که ایجاد نظارت و ارزیابی گروه های یک فرآیند بازگشت است تکنیک های یادگیری فعال برای دانش آموزان مفید است تکمیل و سخنرانی ها با کار گروهی به دانش آموزان کمک می کند تا احساس مشارکت داشته باشد و متعاقب آن بیشتر بیاموزد. کار گروهی دانش آموزان کمک می کند تا مهارت های گروهی را افزایش دهند نه نفرت گروهی. در زمانی که مربی به درستی برای معرفی و تسهیل مشارکت و مشارکت گروهی آماده باشد کار گروهی می تواند نتایج بسیار مثبت و ماندگاری داشته باشد.

اهمیت و رواج الگوهای سازماندهی یادگیری

آموزش ابتدایی به عنوان سنگ بنای نظام آموزشی، همواره نیازمند به کارگیری شیوه های تدریس اثربخشی است که پاسخگوی نیازهای گوناگون یادگیری دانش آموزان باشد. در دهه های اخیر، شیوه های سازماندهی یادگیرندگان در قالب گروه بندی، چه بر اساس توانایی و چه با اهداف مشارکتی، به یک راهبرد جهانی رو به افزایش تبدیل شده است. هدف اصلی معلمان از این سازماندهی، رفع نیازهای فردی، بهبود درک مفاهیم و در نهایت، ارتقاء نتایج آزمون ها و دستاوردهای تحصیلی است.

تمایز میان مفاهیم کلیدی: گروه‌بندی توانایی در مقابل کار گروهی

این پژوهش بر بررسی انواع شیوه‌های یادگیری در قالب گروه‌بندی‌ها متمرکز است، اما لازم است میان دو مفهوم متمایز قائل شویم:

گروه‌بندی بر اساس توانایی: این روش شامل شیوه‌های مختلفی برای تفکیک دانش‌آموزان بر اساس سطح عملکرد و استعدادهاى آشکار آن‌هاست. اگرچه این رویکرد در مدارس جهان رایج است، اما همواره با مخالفت‌ها و نگرانی‌هایی جدی مواجه بوده است؛ به‌ویژه در مورد تأثیرات روانشناختی و اجتماعی آن بر دانش‌آموزان جوان، نظیر کاهش انگیزه در گروه‌های سطح پایین‌تر و تأثیر بر خودپنداره آن‌ها.

کار گروهی: کار گروهی فراتر از صرفاً «نشستن دانش‌آموزان در کنار هم و درخواست همکاری» است. کار گروهی واقعی مستلزم تعادل در مالکیت و کنترل فرآیند یادگیری است؛ به این معنا که «تعادل مالکیت و کنترل کار به سمت خود دانش‌آموزان سوق داده می‌شود» (به نقل از زاجاک و هارتاپ، ۱۹۷۷). ویژگی تعیین‌کننده، درگیر کردن دانش‌آموز به عنوان یک یادگیرنده فعال است، نه صرفاً کمک کردن یک دانش‌آموز به دیگری.

کار گروهی مشارکتی و دامنه کاربرد آن

دیدگاه محقق بر کار گروهی مشارکتی متمرکز است که اغلب با ساختارهای مشخص، ترکیبی ناهمگون از توانایی، جنسیت و قومیت، و وظایف یادگیری معین همراه است. با این حال، دامنه کاربرد کار گروهی مؤثر از این ساختارها فراتر می‌رود و می‌تواند در وظایف روزمره کلاسی برای دستیابی به اهداف متفاوت به کار رود.

مراحل اجرای کار گروهی (بر اساس الیسون برک، ۲۰۱۱)

اجرای موفقیت‌آمیز کار گروهی شامل یک فرآیند چهار مرحله‌ای است که مستلزم رویکردی مشخص از سوی مربی است: **تصمیم‌گیری معلم:** درج کار گروهی در برنامه درسی و تصمیم‌گیری برای گروه‌بندی. **آموزش فعالیت:** آموزش صریح فعالیت کار گروهی به دانش‌آموزان، با در نظر گرفتن اینکه ممکن است آن‌ها پیش‌زمینه‌ای در اجرای آن نداشته باشند.

نظارت معلم: هدایت و نظارت فعال بر گروه‌ها در حین انجام کار.

ارزیابی: مهم‌ترین مرحله، ارزیابی دقیق فرآیند گروه‌بندی و نتایج آن.

اهمیت و مزایای کار گروهی

کار گروهی به دلایل زیر در آموزش ابتدایی حیاتی است:

توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی: به دانش‌آموزان (به ویژه حساس و آسیب‌پذیر) کمک می‌کند تا بر ترس‌های خود غلبه کرده، نحوه برخورد با نقد را بیاموزند، و با مشارکت فعال، اعتماد به نفس خود را افزایش داده و فشار همسالان را مدیریت کنند. **افزایش کیفیت یادگیری:** تعامل و همکاری منجر به ارائه راه‌حل‌های بهتر (اگورت، اسمیت و تولند، ۲۰۰۸)، درک عمیق‌تر مطالب، و یادگیری حجم بیشتری از محتوا در زمان کوتاه‌تر می‌شود.

توسعه مهارت‌های مشارکتی: فرصتی برای نمایش نقاط قوت منحصر به فرد و توسعه مهارت‌های اساسی مانند صحبت کردن، گوش دادن، برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و مدیریت زمان فراهم می‌آورد.

ایجاد پویایی و رقابت سازنده: همکاری برای دستیابی به هدف مشترک، فرصتی برای انجام پروژه‌های پیچیده‌تر فراهم می‌کند که به تنهایی ممکن نیست و حس رقابت سالم برای تلاش بیشتر را برمی‌انگیزد.

چالش‌ها و موانع اجرا

اجرای مؤثر کار گروهی با چالش‌های زیر روبروست:

توزیع ناعادلانه کار: یکی از بزرگترین معضلات، انجام کل کار توسط یک نفر است که منجر به بی‌علاقگی دیگر اعضا و ترجیح کارهای فردی می‌شود. برای جلوگیری از این امر، تقسیم وظایف بر اساس مهارت‌های فردی و شفاف‌سازی مسئولیت‌ها ضروری است.

مدیریت گروه: نیاز به تعیین سرگروه (که می‌تواند به صورت چرخشی باشد) برای نظم‌دهی جلسات و برگزاری جلسات برنامه‌ریزی شده برای حل مشکلات.

چالش‌های ارزیابی معلم: معلمان در ارزیابی منصفانه کار گروهی و مدیریت احساسات دانش‌آموزان در مورد بی‌عدالتی‌های درک شده با مشکل مواجه می‌شوند.

موانع محیطی و روانی: کمبود زمان و درک نامناسب معلمان از شرایط، اجرای کارآمد را دشوار می‌کند. همچنین، دانش‌آموزان قوی ممکن است از آموزش مکرر مطالب به همکلاسی‌های ضعیف‌تر خسته شوند (کوتنیک و همکاران، ۲۰۰۲). اجرای موفقیت‌آمیز کار گروهی نیازمند یک رویکرد هماهنگ در سطح مدرسه (شامل مدیریت زمان و فضا توسط مدیریت) و کاهش کنترل معلم بر فرآیند یادگیری، در عین تمرکز بر عمق یادگیری و مدارا است.

یافته‌ها

یافته‌های این بخش بر اساس مرور ادبیات پژوهشی موجود و تحلیل ساختار کار گروهی در بافتار مدارس ابتدایی تدوین شده است:

۱. شواهد قوی بر اثربخشی کار گروهی

مرور تحقیقات پیشین (مانند لو و همکاران ۱۹۹۷؛ اسلاوین و همکاران ۲۰۰۰؛ وب و پالینکسار ۱۹۹۶) شواهد متقاعدکننده‌ای دال بر تأثیر مثبت کار گروهی مشارکتی بر ابعاد زیر ارائه می‌دهد:

پیشرفت تحصیلی و درک مفهومی: تعامل همسالان به افزایش کیفیت و کمیت یادگیری منجر شده و امکان دستیابی به پروژه‌های پیچیده‌تر را فراهم می‌آورد.

توسعه مهارت‌های اجتماعی-عاطفی: کار گروهی بستری برای تقویت مهارت‌های ارتباطی، افزایش اعتماد به نفس، و غلبه بر ترس‌های اجتماعی فراهم می‌کند.

۲. شکاف میان تئوری و اجرای عملی

با وجود تأییدیه‌های نظری قوی، یافته‌ها یک شکاف عملی مهم را برجسته می‌سازند:

محدودیت مطالعات پیشین: بخش قابل توجهی از تحقیقات موجود دارای محدودیت‌هایی از جمله مقیاس کوچک و کوتاه‌مدت بودن بوده‌اند.

عدم درگیری معلم در اجرا: اغلب تحقیقات، معلمان را به طور کافی در فرآیند طراحی، توسعه و اجرای استراتژی‌ها در بستر طبیعی کلاس درس روزمره درگیر نکرده‌اند. این امر مانع از تبدیل دانش تئوریک کار گروهی اثربخش به راهکارهای بومی و پایدار در کلاس‌های درس واقعی شده است.

۳. تمایز حیاتی میان گروه‌بندی و کار گروهی مشارکتی

یافته‌های نظری بر این نکته تأکید دارند که کار گروهی مؤثر فراتر از نشستن فیزیکی در کنار هم است. ویژگی تعیین‌کننده، سوق دادن تعادل مالکیت و کنترل کار به سمت خود دانش‌آموزان است، که نیازمند ساختاردهی دقیق فعالیت‌ها است. این امر در تضاد با گروه‌بندی صرفاً بر اساس توانایی است که می‌تواند اثرات منفی روانی-اجتماعی داشته باشد.

۴. ملاحظات مدیریتی و آموزشی برای موفقیت

اجرای موفقیت‌آمیز کار گروهی مستلزم رعایت چارچوب مشخصی است که شامل مراحل چهارگانه (تصمیم‌گیری، آموزش، نظارت، ارزیابی) می‌باشد. همچنین، برای جلوگیری از «فقدان مشارکت» یا «تقسیم ناعادلانه کار»، آموزش صریح قواعد، تعریف نقش‌های چرخشی، و جلسات منظم حل مسئله توسط گروه ضروری است.

نتیجه‌گیری

بر اساس اهداف ذکر شده در چکیده پژوهش، نتایج این تحقیق به ارائه یک الگوی عملی و مستندسازی ملاحظات کلیدی برای ادغام موفق کار گروهی در برنامه درسی روزانه مدارس ابتدایی می‌پردازد:

این پژوهش به نتایجی دست یافته است که منجر به ارائه الگویی عملی برای گروه‌بندی بهینه در مدارس ابتدایی می‌شود. این الگو: بر مشارکت فعال معلمان در طراحی فرآیند گروه‌بندی تأکید دارد تا با بافتار کلاسی واقعی سازگار باشد. بر اجرای استراتژی‌هایی تمرکز می‌کند که فراتر از نتایج کوتاه‌مدت تحصیلی، منجر به توسعه پایدار مهارت‌های اجتماعی-عاطفی دانش‌آموزان گردد.

نتایج، سه دسته ملاحظه ضروری برای اثربخشی کار گروهی را شناسایی و مستند می‌سازد: ملاحظات محتوایی: لزوم طراحی وظایف یادگیری به گونه‌ای که نیازمند تعامل واقعی (نه صرفاً تقسیم کار) و درگیر ساختن دانش‌آموز به عنوان یک واحد فعال باشد. ملاحظات مدیریتی: تأکید بر تخصیص زمان، فضا و منابع کافی توسط مدیریت مدرسه، و نیز آموزش معلمان برای کاهش کنترل مستقیم بر یادگیری دانش‌آموزان. ملاحظات تعاملی: ضرورت نهادینه‌سازی قواعد مشخص، تعیین نقش‌های چرخشی در گروه، و آموزش مهارت‌های گوش دادن و مذاکره برای جلوگیری از تسلط یک نفر و ایجاد احساس عدالت. نتیجه نهایی این است که کار گروهی مؤثر زمانی به دست می‌آید که رویکردی هماهنگ در سطح کل مدرسه پیاده‌سازی شود. این هماهنگی باید شامل مشارکت والدین و معلمان در پذیرش تغییر پارادایم آموزشی باشد؛ پارادایمی که بر افزایش عمق یادگیری و مدارا کردن با دیگران به جای تمرکز صرف بر محتوای سطحی و ارزیابی‌های فردی تأکید دارد.

منابع

- Slavin, R. E., Hurley, E. A., & Chamberlain, A. (۲۰۰۰). Assessing the effects of team teaching on student motivation and achievement. *Journal of Educational Psychology*, 92(۲), ۳۳۹-۳۴۸.
- Webb, N. M., & Palincsar, A. (۱۹۹۶). Group processing in collaborative small-group work. In E. A. Forman, N. Minick, & C. Addison Stone (Eds.), *Social interaction, social learning, and cognition* (pp. ۱۴۹-۱۷۱). Oxford University Press.
- Lou, Y., Abrami, P. C., Boudrias, L., & Paris, A. H. (۱۹۹۷). Learning to learn: Implications for group work. *Studies in Higher Education*, 22(۳), ۲۹۷-۳۱۲.
- Rogoff, B., & Wertsch, J. V. (Eds.). (۱۹۹۰). *Children's learning in the zone of proximal development*. Ablex Publishing Corporation.
- Kutnick, P., Blatchford, P., & Baines, E. (۲۰۰۲). Towards an explanation of the impact of small-group teaching on pupils' learning and adjustment. *British Educational Research Journal*, 28(۵), ۷۵۷-۷۷۱.
- Slavin, R. E. (۱۹۹۵). *Cooperative learning: Theory, research, and practice* (۲nd ed.). Allyn & Bacon.
- Johnson, D. W., & Johnson, R. T. (۱۹۸۹). *Cooperation and competition: Theory and research*. Interaction Book Company.

۸. Piaget, J. (۱۹۲۸/۱۹۵۹). *The language and thought of the child*. Routledge & Kegan Paul.
۹. Zajac, A., & Hartup, W. W. (۱۹۷۷). Social dynamics in children's group work. *Child Development*, 48(۴), ۱۰۸۳-۱۰۸۹.